

The Lived Experience of Adoptive Mothers: From Idealism to Redefining Parenting

Naeimeh Saberi¹

 0009-0008-2424-7653

Marzieh Madanifar(PhD)²

 0009-0002-0879-6974

Abstract

Adoption is a complex path to fulfilling the parenting role that confronts mothers with numerous identity challenges. The present study aimed to deeply explore the identity transition process of adoptive mothers and understand how they navigate from initial idealism toward redefining the concept of parenting. This qualitative study was conducted using thematic analysis. Through purposive sampling, eight adoptive mothers in Tehran (2024-2025) were selected. Data were collected using in-depth semi-structured interviews and analyzed based on Braun and Clarke's approach. Exploring the lived experiences of the participants led to the identification of four main themes: "idealistic beginnings," "encountering reality," "redefining the boundaries of the maternal role," and "accepting parenting as a process." The findings indicate that this experience represents a gradual and profound identity process, which can be conceptualized through a five-stage model (from the collapse of the biological motherhood myth to the consolidation of spiritual attachment). Consequently, success in this journey depends on the mother's ability to redefine her identity from a "biological mother" to a "spiritual-chosen mother," highlighting the need for continuous psychosocial support and a shift in policymakers' focus toward post-adoption care.

Keywords: Adoption, adoptive mothers, identity transition, parenting, lived experience.

1- Student in Counseling, Department of Counseling, Faculty of Psychology and Education, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran naime.saberi@gmail.com

2- Assistant Professor, Department of Counseling, Faculty of Psychology and Education, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran (Corresponding Author) m_madanifar@atu.ac.ir

تجربه زیسته مادران فرزندپذیر: از آرمان‌گرایی تا بازتعریف والدگری

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۰۴

نعیمه صابری^۱

مرضیه مدنی‌فر^۲

چکیده

فرزندپذیری مسیری پیچیده برای تحقق نقش والدگری است که مادران را با چالش‌های هویتی متعددی روبه‌رو می‌سازد. پژوهش حاضر با هدف واکاوی عمیق فرایند گذار هویتی مادران فرزندپذیر و درک چگونگی عبور آنان از آرمان‌گرایی اولیه به سمت بازتعریف مفهوم والدگری انجام شد. این مطالعه با رویکرد کیفی و روش تحلیل مضمون صورت گرفت. با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند، هشت مادر فرزندپذیر در شهر تهران (۱۴۰۳-۱۴۰۴) انتخاب شده و داده‌ها از طریق مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته گردآوری و بر اساس روش براون و کلارک تحلیل گردید. بررسی تجربیات زیسته مشارکت‌کنندگان به شناسایی چهار مضمون اصلی شامل «سرآغاز آرمان‌گرایانه»، «مواجهه با واقعیت»، «بازتعریف مرزهای نقش مادری» و «پذیرش والدگری به مثابه یک فرایند» منجر شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که این تجربه نمایانگر یک فرایند هویتی تدریجی و عمیق است که در قالب مدلی پنج‌مرحله‌ای (از فروپاشی اسطوره مادری زیستی تا تثبیت دلبستگی معنوی) قابل تبیین است. در نتیجه، موفقیت در این مسیر به توانایی مادر در بازتعریف هویت خویش از «مادر زیستی» به «مادر انتخابی و معنوی» بستگی داشته و نیازمند حمایت‌های مستمر روانی-اجتماعی و تغییر نگاه سیاست‌گذاران به سمت مراقبت‌های پس از واگذاری کودک است.

کلیدواژه‌ها

فرزندپذیری، مادران فرزندپذیر، گذار هویتی، والدگری، تجربه زیسته.

۱. دانشجوی دکتری مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

naime.saberi@gmail.com

۲. استادیار مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده

m_madanifar@atu.ac.ir

مسئول)

مقدمه

فرزندپذیری^۵ به عنوان راهی انسانی، اجتماعی و معنوی برای تحقق نقش والدگری^۶، در جامعه ایرانی که بار فرهنگی عمیقی بر مفهوم مادری و هویت زنانه قائل است، اهمیتی دوچندان می‌یابد. انتخاب نقش مادر فرزندپذیر، فراتر از یک تصمیم، تلاشی آگاهانه و هویتی برای بازپس‌گیری نقش جنسیتی و عبور از انگ‌های احتمالی ناشی از ناباروری است. در این مسیر، زنان با چالش‌های متعدد قانونی، اجتماعی و نیاز به بازنگری در مفهوم مادری و هویت زنانه روبه‌رو می‌شوند (غفاری و زارعان، ۱۴۰۰؛ حاج‌حسینی و محدثی، ۱۳۹۸). بسیاری از مادران فرزندپذیر^۷ در آغاز این راه با نوعی آرمان‌گرایی مواجه هستند؛ اما تجربه واقعی، آنان را با واقعیت‌های روانی، عاطفی و اجتماعی جدیدی روبه‌رو می‌کند که نیازمند تحول در نقش والدگری است.

پژوهش‌های کیفی داخلی نیز تأیید می‌کنند که فرزندپذیری فرایندی معنایی است که هویت مادران را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد (شرعیاتی و زیری، عسکری ندوشن و روحانی، ۱۳۹۹). این مادران همواره میان دوگانه «مادری طبیعی» و «مادری انتخابی» در نوسان هستند (سفیری و زندی، ۱۴۰۰). مطالعات بومی نشان می‌دهند که شور و اشتیاق معنوی اولیه، به سرعت با چالش‌هایی چون خستگی، تردید و قضاوت‌های اجتماعی تلاقی پیدا می‌کند (غفاری و زارعان، ۱۴۰۰؛ دهدست و ادیب‌زاده، ۱۴۰۲). علاوه‌براین، فرایند طولانی و فرسایشی قانونی نیز خود به منبعی از اضطراب بدل می‌شود (کامرانی فکور و دیگران، ۱۳۹۸). با این حال، این مطالعات بیشتر به توصیف وضعیت تنش‌زای موجود پرداخته‌اند.

در پژوهش‌های خارج از ایران نیز، مطالعات بر ماهیت استرس‌زای تجربه فرزندپذیری تأکید دارند. نظریه بازتنظیم هویت^۸، لزوم توجه به تغییرات نقش را مطرح می‌کند (Egan, O'Connor & Egan, 2022). این تجربه با ابعاد روانی تروما و تلاش برای شکل‌دهی به دلبستگی ایمن پیوندی عمیق دارد (Brodzinsky, Gunnar & Palacios, 2022). برخی مطالعات

5. Adoption

6. Parenting

7. Adoptive Mothers

8. Identity Reconfiguration

نشان داده‌اند که مادران با ورود کودک، تضاد شدیدی را میان تصورات ایدئال پیشین خود و واقعیت‌های دشوار مادری تجربه می‌کنند که می‌تواند به بحران‌های هویتی منجر شود (Muzingili, 2025; Liang, Dallimore & Hanlon, 2025). همچنین، مفهوم «محرومیت پیشافرزندپذیری»^۹ به عنوان عاملی برای تشدید این آسیب‌پذیری‌های روان‌شناختی مطرح شده است (Eriksson, 2025).

علی‌رغم پژوهش‌های متعدد، مرور ادبیات نشان می‌دهد که اکثر مطالعات عمدتاً بر وضعیت سازگاری کودک متمرکز بوده‌اند (Sicka, 2025; Faircloth, 2023) و در مواردی هم که به مادران پرداخته‌اند، تمرکزشان بر شناسایی «پیامدهای استرس‌زا» و «بحران‌های هویتی» ناشی از تقابل آرمان و واقعیت بوده است. درواقع، شکاف اصلی در ادبیات پیشین، فقدان توجه به ماهیت «پویا و فرایندی» این مسیر روان‌شناختی است. پژوهش‌های پیشین نشان داده‌اند که آرمان‌گرایی اولیه مادران به چالش کشیده می‌شود؛ اما چگونگی گذار تدریجی آنان از این بحران و مسیری که برای انطباق و ساختن واقعیت‌های جدید طی می‌کنند، همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

براین‌اساس، مطالعه پیش‌رو با عبور از نگاه صرفاً توصیفی به چالش‌های فرزندپذیری، به واکاوی «پویایی‌شناسی فرایند گذار هویتی»^{۱۰} این مادران می‌پردازد. از آنجاکه درک پدیده‌های پیچیده‌ای چون لایه‌های پنهان روان‌شناختی و مسیرهای گذار هویتی نیازمند واکاوی عمیق و اکتشافی است، در این مطالعه از رویکرد کیفی^{۱۱} و روش تحلیل مضمون^{۱۲} استفاده شده است. با توجه به ضرورت‌های یادشده، این پژوهش با هدف واکاوی عمیق فرایند گذار هویتی مادران فرزندپذیر انجام شده است تا به این پرسش بنیادین پاسخ دهد: «مادران فرزندپذیر چگونه از تجربه نخستین آرمان‌گرایی عبور کرده و مفهوم والدگری را در بستر زندگی واقعی بازتعریف می‌کنند؟»

9. Pre-adoption Deprivation

10. Identity Transition

11. Qualitative Approach

12. Thematic Analysis

روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کیفی و از نظر رویکرد، مبتنی بر تحلیل مضمون بر اساس چهارچوب شش مرحله‌ای براون و کلارک^{۱۳} (۲۰۰۶) است. جامعه پژوهش شامل تمامی مادران فرزندپذیر ساکن شهر تهران در سال‌های ۱۴۰۳ تا ۱۴۰۴ بود که تجربه زیسته زندگی با فرزندخوانده را داشتند. از میان این جامعه، مادرانی به صورت هدفمند^{۱۴} انتخاب شدند که حداقل یک سال از آغاز تجربه والدگری آن‌ها گذشته بود. منطق انتخاب معیار زمانی «حداقل یک سال»، سپری شدن دوره گذار اولیه، کاهش شوک‌های هیجانی پس از پذیرش و فراهم شدن زمان کافی برای شکل‌گیری پایه‌های اولیه دلبستگی و تثبیت نسبی هویت مادری بود. فرایند نمونه‌گیری تا زمان رسیدن به اشباع نظری^{۱۵} داده‌ها ادامه یافت؛ به این معنا که پس از مصاحبه ششم، الگوهای اطلاعاتی تکراری شدند و در مصاحبه‌های هفتم و هشتم، هیچ کد یا مضمون جدیدی که به درک پدیده کمک کند به دست نیامد. براین اساس، حجم نمونه نهایی روی هشت مشارکت‌کننده تثبیت شد. معیار ورود به مطالعه شامل داشتن تجربه مستقیم والدگری فرزندخوانده، تطابق با معیار زمانی مذکور و تمایل داوطلبانه برای اشتراک‌گذاری تجربیات بود.

فرایند گردآوری داده‌ها در فاصله خرداد تا مهر ۱۴۰۴ انجام شد. شناسایی و دسترسی به مشارکت‌کنندگان با همکاری کلیدی مرکز «هم‌آوا» صورت گرفت. پس از تبیین اهداف پژوهش برای مسئولان این مؤسسه و اخذ مجوزهای لازم، مادران واجد شرایط توسط مددکاران مؤسسه شناسایی و معرفی‌نامه‌ای جهت برقراری ارتباط صادر گردید. ارتباط اولیه از طریق تماس تلفنی و پیام‌رسان‌ها برقرار شد و پس از ارائه توضیحات کامل و کسب رضایت آگاهانه، زمان جلسات هماهنگ گردید. با هدف ایجاد فضای امن، تسهیل اعتماد و رعایت ملاحظات رفاهی مادران، مصاحبه‌ها از طریق بسترهای برخط (تماس تصویری) اجرا شد.

ابزار اصلی پژوهش، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته^{۱۶} عمیق بود. رؤس کلی مصاحبه شامل

13. Braun & Clarke

14. Purposive Sampling

15. Theoretical Saturation

16. Semi-structured Interview

انگیزه‌های بنیادین، چالش‌های روان‌شناختی-اجتماعی، فرایند دلبستگی و چگونگی بازتعریف نقش والدگری، ابتدا با استخراج مفاهیم کلیدی از پیشینه نظری و مطالعات پیشین تدوین گردید. برای بررسی روایی محتوایی و صوری ابزار، پیش‌نویس سؤالات در اختیار دو تن از متخصصان حوزه روان‌شناسی خانواده قرار گرفت و پس از اعمال بازخوردهای آنان در خصوص نحوه جمله‌بندی و ترتیب سؤالات، دستورالعمل نهایی تأیید شد. همچنین یک مصاحبه آزمایشی جهت اطمینان از وضوح سؤالات برای مشارکت‌کنندگان انجام گرفت. هر مصاحبه بین ۶۰ تا ۹۰ دقیقه به طول انجامید، با اجازه مشارکت‌کنندگان ضبط و سپس کلمه به کلمه پیاده‌سازی گردید.

تحلیل داده‌ها در شش مرحله (آشنایی با داده‌ها، ایجاد کدهای اولیه، جستجوی مضامین، بازبینی، تعریف و نام‌گذاری مضامین و تدوین گزارش) انجام شد. فرایند کدگذاری اولیه و استخراج مضامین توسط پژوهشگر اصلی صورت گرفت. برای ارتقای اعتبار و پایایی یافته‌ها، از راهبرد بازبینی توسط همکار^{۱۷} استفاده شد؛ به این صورت که نمونه‌ای از متون پیاده‌سازی شده همراه با کدهای استخراج‌شده در اختیار یک پژوهشگر مستقل و مسلط به روش کیفی قرار گرفت. وی ساختار کدها و انطباق آن‌ها با داده‌های خام را بررسی کرد. در موارد محدود اختلاف نظر در نام‌گذاری مضامین، جلسات بحث و تبادل نظر برگزار شد تا توافق نهایی (با ضریب توافق بالای ۸۰٪) حاصل گردد. همچنین به منظور تضمین قابلیت اطمینان^{۱۸} و انتقال‌پذیری^{۱۹} یافته‌ها، تمامی مراحل تحلیل و تصمیمات پژوهشی به صورت شفاف و گام‌به‌گام مستندسازی شد و از راهبرد توصیف غنی و عمیق داده‌ها^{۲۰} استفاده گردید. ملاحظات اخلاقی از جمله حفظ محرمانگی نام‌ها، امانت‌داری در نقل‌قول‌ها و حق انصراف در تمامی مراحل به دقت رعایت گردید.

17. Peer Debriefing

18. Dependability

19. Transferability

20. Thick Description

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی این پژوهش مربوط به مشارکت‌کنندگانی است که از میان مادران فرزندپذیر با تجربه حداقل یک سال زندگی با فرزندخوانده انتخاب شده‌اند. جدول شماره ۱ اطلاعات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان را ارائه می‌دهد.

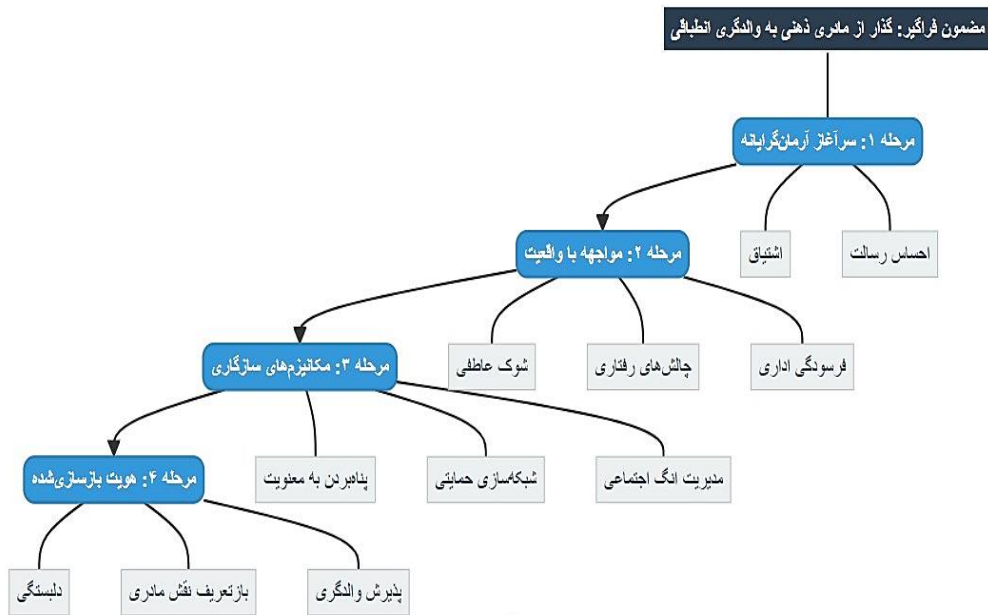
جدول شماره ۱: جدول جمعیت‌شناختی

کد	سن	تحصیلات	شغل	وضعیت تأهل
۱	۳۵	کارشناسی ارشد	خانه‌دار	پژوهش
۲	۳۸	کارشناسی	کارمند	متاهل
۳	۴۱	دیپلم	خانه‌دار	متاهل
۴	۳۶	کارشناسی	کارمند	متاهل
۵	۳۸	کارشناسی ارشد	معلم	متاهل
۶	۴۲	کارشناسی	خانه‌دار	متاهل
۷	۴۰	دیپلم	خانه‌دار	متاهل
۸	۳۲	کارشناسی ارشد	کارمند	مجرد(مطلقه)

تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه با مشارکت‌کنندگان، منجر به استخراج ۱۱ مضمون پایه، ۴ مضمون سازمان‌دهنده و یک مضمون فراگیر با عنوان «گذار از مادری ذهنی به والدگری انطباقی: فرایند پویای بازسازی هویت در فرزندپذیری» گردید. این یافته‌ها به صورت منسجم در قالب مدل مفهومی پژوهش (شکل شماره ۱) و ساختار سه سطحی مضامین (جدول شماره ۲) تدوین شده‌اند. در ادامه، داده‌ها و شواهد مرتبط با هر یک از مضامین پایه و سازمان‌دهنده، صرفاً به صورت توصیفی ارائه می‌شود.

جدول شماره ۲: ساختار سه‌سطحی مضامین مستخرج از تجارب فرزندپذیری مادران

مضمون فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه
گذار از مادری ذهنی به والدگری انتطابقی: فرایند پویای بازسازی هویت در فرزندپذیری	۱. سرآغاز آرمان‌گرایانه:	۱. اشتیاق و هیجان برای والدگری
	امیدها و رسالت مقدس	۲. احساس رسالت و تقدیر الهی
	۲. مواجهه با واقعیت:	۳. شوک عاطفی و احساس گناه
	بحران‌ها و فرسودگی	۴. چالش‌های رفتاری غیرمنتظره کودک
		۵. فرسودگی ناشی از دیوان‌سالاری و انتخاب آگاهانه شرایط کودک
	۳. سازوکارهای	۶. پناه‌بردن به معنویت و تقدیر برای مقابله
	سازگاری: تاب‌آوری و بازتعریف حمایت	۷. گذار از خوداتکایی به شبکه‌سازی حمایتی
	۴. هویت بازسازی‌شده:	۸. کشف دلبستگی عمیق در لحظات ساده
	عاملیت و پذیرش	۹. مدیریت فعالانه انگ اجتماعی
		۱۰. بازتعریف مرزهای نقش مادری
		۱۱. پذیرش والدگری به مثابه یک فرایند



شکل شماره ۱: مدل مفهومی پژوهش

۱. سرآغاز آرمان‌گرایانه: امیدها و رسالت مقدس

این مضمون شامل تجربیات و احساسات مادران در مرحله پیش از پذیرش کودک و روزهای آغازین آن است که عمدتاً با امید و هیجان همراه بوده است.

• **اشتیاق و هیجان برای والدگری:** فرایند فرزندپذیری در ابتدا با شور و اشتیاق عمیقی برای حضور کودک همراه بود. یکی از مادران این انتظار را چنین بیان می‌کند: «اون سه هفته که خیلی نوق داشتم، دوست داشتم همش هر روز برم ببینم» [مشارکت‌کننده ۱].

• **احساس رسالت و تقدیر الهی:** فرزندپذیری برای مشارکت‌کنندگان باوری عمیق به تقدیر و شکرگزاری به همراه داشت: «اگر من خودم بچه زیستی داشتم، هیچ وقت این فرزندخوانده‌ام نمی‌شد و من خدا رو شکر می‌کنم که این‌طوری بچه‌دار شدم که الان پیشمه» [مشارکت‌کننده ۲].

۲. مواجهه با واقعیت: بحران‌ها و فرسودگی

با ورود کودک به خانواده، مادران با چالش‌های مراقبتی و روان‌شناختی متعددی مواجه شدند که تفاوت قابل‌توجهی با تصورات اولیه آن‌ها داشت.

• **شوک عاطفی و احساس گناه:** تقابل انتظارات ذهنی با واقعیت‌های روزمره، در مواردی منجر به افت خلق و احساس بی‌کفایتی یا گناه شد: «خیلی سخت بود، شب‌بیداری زیادی بود، گریه زیاد می‌کردم... چون شش ماه بعد از پذیرش فرزندم افسردگی داشتم، احساس می‌کردم فرزندم رو دوست ندارم. احساس عذاب وجدان می‌کردم» [مشارکت‌کننده ۳]. همچنین یکی دیگر از مادران اشاره می‌کند: «احساس می‌کردم یه مسئولیت خیلی بزرگ رو دوشمه که من از پشش بر نمیام» [مشارکت‌کننده ۴].

• **چالش‌های رفتاری غیرمنتظره کودک:** مادران در مدیریت رفتارهای کودک که نیازمند ایجاد دلبستگی ایمن بود، با دشواری‌هایی روبه‌رو بودند: «من با اینا آشنا بودم و مطالعه داشتم، ولی تو عمل و در واقعیت فرق می‌کرد... تا برسه به دلبستگی ایمن و البته من بتونم بیماریش را هندل بکنم و دستم بیاد ویژگی‌هاش، خیلی سختی کشیدیم» [مشارکت‌کننده ۵].

• **فرسودگی ناشی از دیوان‌سالاری و انتخاب آگاهانه شرایط کودک:** روند طولانی

دریافت فرزند و فشارهای محیطی در این مسیر، موجب خستگی روانی متقاضیان می‌شد. مادران در این دوره فشار مضاعفی را تحمل می‌کردند: «اون اوایل که هنوز فرزندخوانده‌ام نیامده بود و ما توی مسیرش بودیم، همش می‌گفتم که حالا چرا ما؟ ... یه جاهایی واقعاً می‌بریدم دیگه» [مشارکت‌کننده ۶].

۳. سازوکارهای سازگاری: تاب‌آوری و بازتعریف حمایت

در پاسخ به چالش‌های مرحله قبل، مادران راهبردهایی را برای بازیابی روانی و سازگاری با شرایط جدید به کار گرفتند.

- **پناه‌بردن به معنویت و تقدیر برای مقابله:** مادران برای تحمل سختی‌ها، قضاوت‌ها و تفاوت‌های مسیر خود با دیگران، به گفت‌وگوهای درونی و معنوی پناه بردند تا معنای جدیدی برای رنج‌های خود بیابند: «فکرم این بود که خب چرا من باید مورد حرف‌های مسخره/این‌ا قرار بگیرم؟ خدا چرا همین بچه رو به من از طریق زیستی نداده؟» [مشارکت‌کننده ۶]، با این حال، در نهایت این پرسشگری‌ها به پذیرش شرایط به عنوان یک تقدیر معنادار منتهی می‌شد.

- **گذار از خوداتکایی به شبکه‌سازی حمایتی:** مادران در این مرحله دریافتند که عبور از بحران‌ها نیازمند کمک گرفتن از دیگران و ایجاد شبکه‌های حمایتی است.

۴. هویت بازسازی‌شده: عاملیت و پذیرش

این مضمون نشان‌دهنده تثبیت نقش مادری و دستیابی به هویتی واقع‌بینانه و انطباقی در مواجهه با والدگری و محیط اجتماعی است.

- **کشف دلبستگی عمیق در لحظات ساده:** پیوند عاطفی میان مادر و کودک با گذر زمان و در دل تعاملات روزمره شکل گرفت و تثبیت شد: «فرزندخوانده‌ام کنارمه واقعاً یک امید برای من ... خیلی وقتاً وقتی خوابه می‌شینم و بهش نگاه می‌کنم اصلاً یک آرامش خیلی خاصی بهم میده. همین که پیشمه به دنیا میارزه، خدا را شکر» [مشارکت‌کننده ۷].

- **مدیریت فعالانه انگ اجتماعی:** مادران در برابر قضاوت‌ها و فشارهای محیطی، از موضع انفعال خارج شده و رویکردی قاطعانه اتخاذ کردند. در مواجهه با حرف‌های دلسردکننده، آن‌ها عاملیت خود را نشان دادند: «یعنی فهم پایین یه نفر از شرایط زندگی

بقیه میاد که برگرده بگه بچتو برو پس بده به بهزیستی! خیلی حرف زشتیه... من توی خانواده خیلی چالش داشتم ولی خب چون آدم قرص و محکمی هستم خیلی جوابهای کوبنده می‌دادم» [مشارکت‌کننده ۸].

- بازتعریف مرزهای نقش مادری: مادران توانستند کمال‌گرایی را کنار گذاشته و توقعات خود از نقش مادری را با واقعیت‌های موجود تنظیم کنند.
- پذیرش والدگری به‌مثابه یک فرایند: در این مرحله، مادران به این درک رسیدند که والدگری فرزندخوانده، فرایندی مستمر است که نیازمند تاب‌آوری و رشد است: «هر چقدر هم که ابراز پشیمانی کنن و اینا، خب بعضی حرفاشون تو ذهن آدم می‌مونه و متأسفانه من هر چقدر اونجا از انتظارش سختی کشیدم، بعدش باز از حرف‌های بقیه عصبانی می‌شدم. دل می‌شکست» [مشارکت‌کننده ۲]؛ اما با گذر زمان توانستند این تجربیات را به‌عنوان بخشی از مسیر والدگری خود هضم و مدیریت کنند.

بحث و تحلیل

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تجربه مادران فرزندپذیر ایرانی در قالب مواجهه‌هایی خطی و مجزا قابل‌تبیین نیست؛ بلکه نمایانگر یک «فرایند هویتی تدریجی و عمیق» است که از بحران آرمان‌گرایی آغاز شده و به بازتعریف واقع‌گرایانه و معناگرایانه والدگری ختم می‌شود. تحلیل تجارب مشارکت‌کنندگان نشان داد که نخستین گام در مسیر فرزندپذیری، رویارویی با فروپاشی تصویر ذهنی از «مادری کامل و طبیعی» است. این تجربه با نظریه «اسطوره مادری کامل» (Stone & Turner, 2023) هم‌سو است؛ وضعیتی که در آن زنان پس از مواجهه با فقدان پیوند زیستی، با شکست انتظارات فرهنگی روبه‌رو شده و برای حفظ انسجام روانی خود در ابتدا به آرمان‌گرایی پناه می‌برند. بااین‌حال، ورود فرزند به بستر خانواده، این آرمان‌گرایی را به چالش کشیده و مادران را ملزم به پذیرش محدودیت‌های واقعی می‌کند. در این مرحله، فرزندپذیری به بستری برای بازنگری در هویت تبدیل می‌شود. بر اساس دیدگاه سیگل^{۲۱} (۲۰۲۴)، این مادران نوعی «هویت انتقالی»

21. Segal, R.

را تجربه می‌کنند که نه به معنای فقدان، بلکه پیش‌درآمدی بر رشد روانی، اجتماعی و تکامل خویشتن است.

در امتداد این رشد روانی، مواجهه با واقعیت‌های فرزندپذیری نیازمند ایجاد تعادلی جدید در روابط والد-کودک است. یافته‌های ما نشان می‌دهد که پذیرش تفاوت‌های رفتاری کودک مستلزم نوعی بازآرایی شناختی و هیجانی است که با مفهوم «دلبستگی بازسازی‌شده» (Barton & Newsome, 2024) تطابق دارد. باوجوداین، برای تبیین عمیق‌تر این پیوند در بافت فرهنگی ایران، باید به نظریه «دلبستگی معنوی در والدگری انتخابی» (Hatcher & Parker, 2025) رجوع کرد. یافته‌های پژوهش حاضر این نظریه را بسط می‌دهد؛ چرا که در تجربه مادران ایرانی، گذار از «دلبستگی مبتنی بر مالکیت زیستی» به «دلبستگی اخلاقی و معنوی»، هسته مرکزی تاب‌آوری است. مادران با پناه بردن به ایمان، شفقت و احساس مقصود معنوی (Benson, 2024; Blair, Johnson & Ming, 2025)، کودک را نه یک جایگزین، بلکه «امانتی الهی» و «رسالتی اخلاقی» معنا می‌کنند که این امر به شکل‌گیری یک «تربیت اخلاقی مقاوم» در ساختار خانواده کمک شایانی می‌نماید (Dworkin, 2023).

بااین‌حال، پیشبرد این رسالت اخلاقی در خلأ رخ نمی‌دهد. تطابق اجتماعی و رویارویی با قضاوت‌های جامعه، از چالش‌های گریزناپذیر در بافت فرهنگی ایران است. مشابه یافته‌های رادفورد و هال^{۲۲} (۲۰۲۲)، فشارهای اجتماعی و انگ‌های پنهان پیرامون فرزندخواندگی، مادران را به سمت اتخاذ رفتارهای جبرانی و اثبات مشروعیت مادری خود سوق می‌دهد. در این مسیر، شبکه خانواده گسترده و اعتماد اجتماعی، نقشی کلیدی در تثبیت رابطه مادر-کودک ایفا می‌کنند (Garcia & Felip, 2025). مقایسه این شرایط با مطالعات جهانی نشان‌دهنده تفاوت‌ها و شباهت‌های فرهنگی ظریفی است. درحالی‌که مطالعات جوامع غربی (مانند Stephan & Lucas, 2025 در انگلستان؛ Novak, C., & Twoey, 2024 در آمریکا) نشان می‌دهند مادران از «آرمان والدگری عمومی» گذر کرده و بیشتر با فشارهای روانی نهادی و چالش هویت‌سازی مجدد فردی درگیرند، تجربه مادران ایرانی همخوانی بیشتری با مطالعات جوامع شرقی و آسیایی دارد. همان‌گونه که اسمیت و دال^{۲۳} (۲۰۲۳)، ژانگ و لیو

22. Radford, S., & Hall, T.

23. Smith, M., & Dahl, C.

^{۲۴}(۲۰۲۴) و وان و چانگ^{۲۵}(۲۰۲۵) در بررسی مادران آسیایی نشان دادند، در فرهنگ‌های جمع‌گرا، مادری با عناصری چون «دینداری»، «احساس نذر»، «خدمت اجتماعی» و «آموزه‌های مذهبی» پیوند خورده است و این تاب‌آوری معنوی، ستون اصلی پایداری روانی مادران در برابر تنش‌های محیطی محسوب می‌شود.

بر پایه تحلیل منسجم مضامین و با استناد به نظریه بازتابی والدگری^{۲۶} (Dawson, 2025)، تحول تجربه شده توسط مادران ایرانی حاصل ادغام سه مؤلفه «پذیرش محدودیت‌ها»، «معناجویی» و «بازسازی هویت» است که نشان از بلوغ روانی و گذار به مفهوم «مراقبت به مثابه شناخت» دارد. براین اساس، تجربه زیسته مادران فرزندپذیر را می‌توان در قالب یک مدل مفهومی و فرایندی پنج‌مرحله‌ای صورت‌بندی نمود: ۱) فروپاشی اسطوره مادری زیستی و آرمان‌گرایی اولیه، به معنای مواجهه با ناباروری و توسل به تصویرسازی‌های ایدئال از مادری؛ ۲) تجربه هویت انتقالی و مواجهه با واقعیت، شامل ورود فرزند و تقابل انتظارات آرمانی با واقعیت‌های رفتاری و مراقبتی؛ ۳) تطابق اجتماعی و اتخاذ راهبردهای جبرانی، جهت مدیریت قضاوت‌های محیطی و تثبیت نقش در خانواده گسترده؛ ۴) بازآرایی عاطفی و شکل‌گیری دلبستگی معنوی، از طریق گذار از مالکیت بیولوژیک به پذیرش کودک به عنوان رسالت اخلاقی و امانت الهی؛ و درنهایت ۵) تثبیت هویت نهایی (بازتعریف والدگری)، به منزله رسیدن به بلوغ روانی، تحقق «والدگری تفکرورن» (Lichtenberg et al., 2025) و پذیرش هویت یکپارچه به عنوان «مادر انتخابی و معنوی». این مدل نشان می‌دهد که فرزندپذیری در ایران، نه یک رویداد جایگزین جبرانی، بلکه یک دگردیسی هویتی کامل است که طی آن مادری بر پایه انتخاب آگاهانه و تعهد بی‌قیدوشرط بازآفرینی می‌شود.

نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد تجربه مادران فرزندپذیر ایرانی را نمی‌توان در قالب ساده «جایگزینی مادری زیستی با فرزندخواندگی» تقلیل داد. روایت‌ها حاکی از یک گذار هویتی

24. Zhang, Y., & Liu, J..

25. Van, L., & Chang, H.

26. Reflective Parenting

عمیق است که در آن، مفهوم مادری از تعریفی بیولوژیک به یک «هویت انتخابی و معنوی» تکامل می‌یابد. در این فرایند، مادری بر پایه انتخاب آگاهانه، تعهد عاطفی بی‌قید و شرط و معناپردازی معنوی بنا می‌شود. این تحول ثابت می‌کند که فرزندپذیری بستری قدرتمند برای بازسازی هویت فردی و تجربه مادری مبتنی بر مسئولیت اخلاقی است.

پیام کلان و کاربردی این یافته‌ها برای سیاست‌گذاران، نظام‌های حمایتی و متخصصان روان‌شناسی این است که موفقیت در فرزندپذیری تنها با تسهیل موانع حقوقی و قانونی به‌دست نمی‌آید. خانواده‌های فرزندپذیر برای طی کردن این گذار هویتی نیازمند حمایت‌های نظام‌مند روانی، اجتماعی و فرهنگی هستند. در این راستا، سیاست‌گذاری‌ها باید به سمت توسعه خدمات مشاوره تخصصی (آگاه به ابعاد معنوی و هویتی فرزندپذیری)، آموزش حرفه‌ای مشاوران، و ترویج گفتمان رسانه‌ای مثبت برای انگ‌زدایی از ناباروری و فرزندپذیری حرکت کند. در نهایت، به رسمیت شناختن «مادری انتخابی و معنوی» به عنوان الگوی ارزشمند و معتبر از والدگری، کلید ارتقای سلامت روان این مادران و انسجام خانواده‌های فرزندپذیر در جامعه ایران است.

پیشنهاده‌ها

بر اساس یافته‌های این مطالعه، در ساحت پژوهشی انجام مطالعات طولی برای رصد تغییرات هویتی مادران در مراحل مختلف رشد کودک و همچنین واکاوی تجربه زیسته پدران فرزندپذیر برای تکمیل مدل‌های نظری پیشنهاد می‌شود. در بُعد کاربردی و بالینی، ضرورت دارد نهادهای متولی رویکرد خود را از ارزیابی‌های صرفاً پیش از واگذاری، به سمت «مراقبت‌های مستمر روان‌شناختی پس از واگذاری» و تسهیل راه‌اندازی «گروه‌های حمایتی همتایان» تغییر دهند. در نهایت، در عرصه سیاست‌گذاری و فرهنگی نیز پیشنهاد می‌گردد نهادهای رسانه‌ای با اصلاح گفتمان از ادبیات مبتنی بر «ترحم و نگاه جبرانی» به گفتمان «والدگری انتخابی و معنوی»، در راستای انگ‌زدایی و ارزشمندسازی این نوع از تشکیل خانواده در سطح جامعه گام بردارند.

محدودیت‌ها

این پژوهش با محدودیت‌هایی مواجه بود که باید در تفسیر یافته‌ها مدنظر قرار گیرد؛ ازجمله تمرکز انحصاری مطالعه بر روایت مادران و غیبت تجربه زیسته پدران در فرایند فرزندپذیری که بررسی همزمان آن می‌توانست تصویر جامع‌تری از پویایی‌های هویتی خانواده ارائه دهد. همچنین، با توجه به حساسیت‌های فرهنگی و نگاه خاص جامعه ایران به موضوع فرزندپذیری، احتمال بروز سوگیری «مطلوبیت اجتماعی» و محافظه‌کاری ناخودآگاه در مصاحبه‌ها وجود دارد که ممکن است باعث شده باشد مشارکت‌کنندگان بخش‌هایی از چالش‌های عمیق خود را با احتیاط بیشتری بیان کنند.

سیاسگذاری

نویسندگان بر خود لازم می‌دانند از مدیریت و کارکنان محترم مرکز «هم‌آوا» که با سعه صدر، برقراری ارتباط با مادران مشارکت‌کننده را تسهیل نموده و در تمامی مراحل گردآوری داده‌ها یار و همراه این پژوهش بودند، صمیمانه تقدیر و تشکر نمایند. همچنین از تمامی مادران بزرگواری که با اعتماد و اشتراک‌گذاری تجارب زیسته خود، امکان دستیابی به یافته‌های این مطالعه را فراهم آوردند، سپاسگذاری می‌شود.

منابع

- حاج‌حسینی، منصوره و محدثی، ویدا (۱۳۹۸). تجربه فرزندپذیری و ساخت هویت مادرانه در زنان نابارور فرزندپذیر. *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ۱۷(۴)، ۳۶-۷.
- دهدست، کوثر و ادیب‌زاده، زینب (۱۴۰۲). تجارب زیسته مادران از چالش‌های تربیتی تک‌فرزندی در دوران کودکی. *پژوهش در مشاوره کودک و نوجوان*، ۱(۱)، ۱۱۹-۱۴۱.
- سفیری، خدیجه و زندی، فاطمه (۱۴۰۰). پدیدارشناسی تجربه زیسته مادری. *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ۸(۱۸)، ۳۷-۶۲.
- شرعیاتی وزیری، لیلا؛ عسکری ندوشن، عباس؛ و روحانی، علی (۱۳۹۹). فرزندپذیری در آینه دیگران مهم: مطالعه‌ای داده‌بنیاد از فرایند فشارهای هنجاری. *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، ۱۵(۳۰)، ۱۶۷-۲۰۱.

غفاری، الهام و زارعان، منصوره (۱۴۰۰). تجربه زیسته‌ی بانوان از چالش‌های اقدام به فرزندپذیری. *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ۱۹(۱)، ۱۴۳-۱۸۴.

کامرانی فکور، شهربانو؛ رسول‌زاده طباطبایی، کاظم؛ رزاقی، رضا؛ احمدی، فضل‌الله (۱۳۹۸). تجارب خانواده‌های فرزندپذیر از مشکلات کودکان فرزندخوانده: رویکرد نظریه زمینه‌ای. *رفاه اجتماعی*، ۱۹(۷۴)، ۱۶۷-۲۰۶.

- Barton, C., & Newsome, P. (2024). *Rebuilding attachment in adoptive parent-child dyads*. *Journal of Family Psychology*, 38(2), 145-162.
- Benson, H. (2024). *Faith-based parenting resilience: A qualitative synthesis*. *Mental Health & Religion*, 12(1), 62-83.
- Blair, T., Johnson, E., & Ming, R. (2025). *Spiritual resilience among adoptive mothers experiencing post-adoption stress*. *Journal of Positive Psychology*, 20(3), 277-290.
- Brodzinsky, D., Gunnar, M., & Palacios, J. (2022). Adoption and trauma: Risks, recovery, and the lived experience of adoption. *Child abuse & neglect*, 130, 105309.
- Dawson, K. (2025). *Reflective parenting theory: Toward mindful caregiving*. *Child & Family Studies*, 45(3), 311-329.
- Dworkin, C. (2023). *Ethical parenting in multi-origin families*. *International Review of Education*, 69(4), 409-428.
- Egan, M., O'Connor, A. B., & Egan, J. (2022). *Creating a new narrative: A theory of how adopted individuals readjust their adoptive identity in parenthood*. *Adoption & Fostering*, 46(3), 318-335.
- Eriksson, P. K. (2025). *Deprived of adoptive parenthood: Recognizing prospective adoptive mothers' pre-adoption loss*. *Adoption Quarterly*, 28(4), 379-398.
- Faircloth, C. (2023). *Intensive parenting and the expansion of parenting*. In *Parenting culture studies* (pp. 33-67). Springer.
- Garcia, J., & Felip, A. (2025). *Social trust and family identity in adoptive motherhood*. *European Journal of Social Work*, 28(4), 512-537.
- Hatcher, J., & Parker, D. (2025). *Compassionate attachment in non-biological parenting frameworks*. *Journal of Applied Developmental Psychology*, 81, 102184.
- Liang, A. Y., Dallimore, E., & Hanlon, R. (2025). *Adoptive parent advice: challenges, strategies, and insights for future adoptive parents*. *Families in Society*, 106(3), 661-679.
- Lichtenberg, M., Reyes, P., & Nolan, T. (2025). *Thoughtful caregiving: Cognitive maturity in parenting*. *Family Review*, 39(2), 88-106.
- Muzingili, T. (2025). *Navigating the Phenomenology of Adoption Disruption in Zimbabwe: Insights from Adoptive Parents*. *Adoption Quarterly*, 1-29.
- Novak, C., & Twoey, L. (2024). *Identity transformation among adoptive parents*. *Adoption Quarterly*, 27(3), 198-223.
- Radford, S., & Hall, T. (2022). *Social judgment and compensatory behaviors among adoptive families*. *Social Psychology & Parenting*, 14(1), 33-56.
- Segal, R. (2024). *Transitional identity in women experiencing infertility and adoption*. *Feminist Psychology*, 31(3), 243-266.
- Sicka, B. (2025). *Liberatory motherhood: A framework & praxis for caring and*

- scholarship otherwise in the neoliberal academy*. *Gender, Work & Organization*, 32(5), 1834–1849.
- Smith, M., & Dahl, C. (2023). *Spiritual mothering in collectivist cultures*. *Asian Journal of Family Studies*, 9(4), 481–503.
- Stephan, R., & Lucas, V. (2025). *From ideal to real: Adjustment processes in British adoptive mothers*. *Child & Family Social Work*, 30(1), 77–95.
- Stone, J., & Turner, P. (2023). *The myth of perfect motherhood revisited*. *Sociology of Gender*, 17(2), 97–120.
- Van, L., & Chang, H. (2025). *Resilience and religious coping in Korean adoptive families*. *Journal of Asian Family Psychology*, 42(1), 121–144.
- Zhang, Y., & Liu, J. (2024). *Adoption and cultural motherhood among Chinese women*. *Gender & Society*, 38(5), 953–971.